

Research Article

Quranic Tanas in Relation to Divine Actions in the Prayer of Attributes

Seyyed Ahmad Hosseini Naeimi^{1*}, Kamal Khajepoor Banadaki², Seyyed Hamid Shamarizi³

Abstract

Prayer is one of the most important acts of worship that connects a person to his Lord and Creator. Praying is considered a natural thing in human existence; because a person seeks refuge in God through prayer in times of hardship and problems. The Holy Quran has long been of interest to people of religion, science, and literature, and everyone has benefited from this generous source according to their taste. Imam Baqir (AS) has doubled the beauty of his speech in the prayer of attributes by utilizing the noble words and themes of the Quran. The results obtained indicate that the prayer of attributes has precise verbal meanings and themes and includes doctrinal teachings that are very much in focus, and there is a close relationship between divine actions and Quranic verses. In this study, we aim to identify the divine actions in the prayer of attributes using a descriptive-analytical method and examine and scrutinize its relationship with the Quranic verses.

Keywords: Holy Quran, Imam Muhammad Baqir (AS), Prayer of attributes, Divine actions

How to Cite: Hosseini Naeimi SA, Khajehpour Banadaki K, Shamarizi SH., Quranic Tanas in Relation to Divine Actions in the Prayer of Attributes, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(62): 21-33.

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
2. PhD in Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
3. Master of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

تناس قرآنی در رابطه با افعال الهی در دعای سمات

سیداحمد حسینی نعیمی^۱، کمال خواجه پور بنادکی^۲، سیدحمید شمع ریزی^۳

چکیده

دعا از مهمترین عباداتی به شمار می‌رود که انسان را به پروردگار و خالقش متصل می‌کند. دعا کردن امری فطری در وجود آدمی محسوب می‌شود؛ زیرا انسان در هنگام سختی‌ها و مشکلات به وسیله دعا به خداوند پناه می‌برد. قرآن کریم از دیرباز مورد توجه اهل دین و علم و ادب بوده و هر کس به فراخور ذوق خویش از این منبع فیاض بهره مند گشته است. امام باقر (ع) در دعای سمات با بهره‌گیری از الفاظ و مضامین والای قرآنی، زیبایی کلام خویش را مضاعف ساخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که دعای سمات دارای معانی و مضامین دقیق کلامی و مشتمل بر آموزه‌های اعتقادی است که بسیار قالب توجه بوده و بین افعال الهی و آیات قرآنی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. در این پژوهش برآنیم تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، افعال الهی را در دعای سمات مشخص کرده و ارتباط آن را با آیات قرآنی مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، امام محمد باقر (ع)، دعای سمات، افعال الهی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۲. دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

مقدمه و بیان مسئله

یکی از حقایق پرمعنا و سازنده‌ی ابعاد بشری دعا و نیایش با مقام ربوبی است. گرایش شدید به منفعت و لذت و خودکامگی‌ها همواره، انسان‌های بسیاری را در همه‌ی دوران و در همه‌ی جوامع از برقرار ساختن ارتباط تکاملی انسان با کمال مطلق محروم نموده است. دعا، نیاز فقیر مطلق به پیشگاه غنی مطلق است. فقر و نیاز بنده هیچ حد و مرزی ندارد، همان‌گونه که بی‌نیازی و قدرت و کرم پروردگار بی‌حد و مرز است. بارزترین شکل دعا در قرآن کریم و کلام معصومین (ع) تجلی یافته است. «قرآن کتابی جهانی است و هدیه ایست که اختصاص به یک علم و رشته خاص ندارد.» (افتخاری؛ ۱۳۸۹: ۱۲) این کتاب به عنوان منبعی فیاض از دیرباز مورد توجه اهل دین و علم و ادب قرار داشته و هرکس به فراخور ذوق خویش و درجه ایمان، با بهره‌گیری از الفاظ زیبا و دل‌انگیز و مضامین والا و دلنشین آن، کلام خویش را زیبایی دوچندان بخشیده است. یکی از نیازهای فطری بشر، راز و نیاز با خداوند است. بشر می‌خواهد خوشبخت زندگی کند و در آخرت سعادت‌مند شود. بدین منظور و برای رسیدن به این مقصود همواره درصدد داشتن رابطه و انس با خداوند است تا به هنگام بروز شداید و مشکلات به او رجوع نماید. دعا، یکی از عمیق‌ترین مفاهیم دینی است که در تربیت روحی انسان نقش مؤثری دارد. دعای سمات از ادعیه مشهوری است که در همه قرون و بلاد شیعی در غایت شهرت بوده است. این دعا به سندهای معتبر، از امام محمد باقر (ع) نقل شده است. (مجلسی؛ ۱۴۰۴: ۱۰۱/۸۷) قدیمی‌ترین کتابی که دعای سمات در آن یافت می‌شود، مصباح‌المتجهد شیخ طوسی است که خواندن این دعا را به عنوان یکی از اعمال مستحب آخرین ساعات روز جمعه را نقل کرده است. (طوسی؛ ۱۴۱۱: ۴۱۶) «سمات» جمع «سمة» بوده و در لغت به معنای علامت و نشانه است. (فیومی؛ ۱۴۲۵: ۶۶۰/۲) این دعا، «شبور» نیز نامیده می‌شود که واژه‌ای عبری است. (طریحی؛ ۱۴۰۸: ۳۴۱/۳) در این دعا، صفات خدا و اسم اعظم او، همچنین پیامبران و مکانهای مقدسی که خداوند در آن مکانها با رسولانش تکلم نمود و بر آنان وحی فرستاد، یادآور شده است. بیشتر عبارات و اصطلاحات این دعا بر گرفته از آیات قرآن است و ارتباط مستقیم با مفاهیم قرآن دارد. ما در این پژوهش برآنیم تا ارتباط آیات قرآنی و افعال الهی را در دعوات سمات مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه تحقیق

پژوهشهایی که تا کنون درباره دعای سمات صورت گرفته است، عبارتند از:

- رضای الهی، فضل‌الله، (۱۳۸۸)، «راه نجات در دعای سمات»، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مؤلف در این کتاب، دعای سمات را به سه بخش اصلی تقسیم کرده است: بخش اول، در مورد «توحید» است، که خود شش فصل دارد و از فصول یک تا چهار آن، توحید را از دیدگاه دانشمندان

مختلف غربی، از نظر قرآن، متکلمان و سایر دانشمندان بررسی کرده است و در فصل پنجم و ششم کاربرد و شیوه توحید را در باب عرفان و معالجات پزشکی توضیح می‌دهد. بخش دوم در مورد شیوه دعا کردن است که به سه فصل تقسیم شده و به ترتیب، معنی و زمان دعا و فضیلت و تأثیر دعای سمات را بیانگر شده است. در بخش سوم کتاب، یعنی بخش آخر که قسمت اصلی و عظیم کتاب را در بر گرفته است، به شرح دعای سمات می‌پردازد که در کل، شامل چهارده فصل است.

- مدنی کاشانی، ملاعبدالرسول، (۱۳۸۹)، آب حیات در شرح دعای سمات، قم، بوستان کتاب قم.
 آب حیات با مقدمه ای سجع آمیز که دربردارنده تاریخ نگارش اثر، حمد و سپاس خداوند و مشکلاتی که در مسیر کتابت آن با آن مواجه بوده است، آغاز می‌شود. بیان مسائل مرتبط با دعای سمات، در ادامه مطرح می‌شود. از جمله این موارد، ذکر نام‌ها و وجوه تسمیه این دعا به «سمات» و «شبور»، بیان علت تعلیم، فضیلت خواندن این دعا و زمان استجابی برای خواندن آن، که هنگام غروب روز جمعه می‌باشد، است. بخش اصلی این کتاب، شرح عبارات دعای سمات است. در این بخش فرازهای کوتاه و گاه بلندی از این دعای شریف می‌آید و ابتدا ترجمه ای با زبان ساده ارائه می‌شود. مولف این اثر، شرح عبارات دعا را ذیل واژه «بیان» آورده است که تعداد این فرازها به همراه دعای قبل از خواندن دعای سمات، به ۱۰ می‌رسد؛ به عبارت دیگر، این دعا به ۹ قسمت تقسیم شده است و اهم مسائل هر قسمت تحت عنوان «بیان» آن، مورد توجه و بررسی و شرح قرار گرفته است. به دلیل سرشار بودن دعا از مضامین عالی، مطالب متنوع و مفیدی در شرح آن گنجانده شده است. عناوین برخی موضوعات طرح شده در این کتاب عبارتند از: مبحث اسماء الله و مراتب آنها، تبیین برخی صفات الهی، آسمان و زمین، مراحل و مقدمات وجود اشیا، خورشید و ماه، بیان مراحل از رسالت حضرت موسی (ع)، تاریخ حضرت ابراهیم خلیل (ع) و در انتها ذکر مقام مومنان به غیب.

- ایزدی، کامران، (۱۳۹۰)، کهن‌ترین اثر شیعی در شرح دعای سمات و مؤلف آن، فصلنامه شیعه شناسی-شماره ۳۳، صص ۱۰۱ تا ۱۴۲.
 شیخ ابراهیم کفعمی، محدث برجسته امامی درسده نهم و دهم هجری، اثر کمتر شناخته شده ای به نام صفوه الصفات فی شرح دعاء السمات دارد که قدیمی‌ترین شرح دعای سمات است. این کتاب به رغم جایگاه و اهمیتش، هنوز نسخه ای خطی است. این مقاله ابتدا به شرح حال و معرفی آثار کفعمی می‌پردازد؛ سپس این اثر مهم را بررسی و واکاوی می‌کند و به مباحث مهمی همچون منبع شناسی و روش شناسی کفعمی در این کتاب می‌پردازد. این مقاله به دیگر مطالب مهم مطرح شده در این کتاب، همچون علوم ادبی، پیامبرشناسی، فرهنگ شناسی، مکان شناسی و طبیعت شناسی نیز می‌پردازد.

- اسماعیلی سوق، سید فخرالدین، (۱۳۹۳)، بازتاب نبوت موسوی در دعای سمات، مجله پژوهش دینی، شماره ۲۹، صص ۱۰۷-۱۲۴.

دعای سمات یا شَبُور دعایی است که بنا بر نقل از دین یهودی به دین اسلام راه یافته است و آن عبارت از همان دعایی است که یوشع بن نون، وصی حضرت موسی دستور داد، لشگریانش آن را به هنگام جنگ با عمالقه در شیپورهای جنگی بدمند و به همین مناسبت هم دعای «شَبُور» (شیپور) نامیده شده است. مضامین و الفاظ مشابه آن با تورات مؤید این نقل است. آنچه در این مقاله به بررسی آن پرداخته شده، فقره ای از این دعاست که در آن نبوت و دریافت وحی حضرت موسی از جانب خدا را بازتاب داده است. در این مقاله مضامین این فقره از دعا میان قرآن و تورات مقایسه شده و نشان داده شده است که چگونه میان این سه توافق برقرار است. در هر سه سخن از این قرار است که خدا با حضرت موسی از ورای ستونی از نور یا آتش سخن گفته است.

- خاکپور، حسین، (۱۳۹۴)، بررسی بینامتنیت عهدین در دعای سمات، پژوهشنامه ثقلین، شماره ۳، صص ۵۴۹-۵۷۶.

بینامتنیت بر این اندیشه استوار است که هیچ متن مستقلی وجود ندارد، بلکه متون از یکدیگر وام می‌گیرند و میان آنها رابطه تنگاتنگ و دوسویه‌ای وجود دارد. بر اساس این نظریه هر متنی زائیده متون گذشته یا معاصر است؛ به گونه‌ای که متن تازه (حاضر) خلاصه‌ای از متن یا متون متعددی (غایب) است. هدف از این مقاله «جستار بینامتنی عهدین در دعای سمات» است که با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای مطرح می‌کند که میان عهدین (کتاب مقدس) و دعای سمات رابطه بینامتنی وجود دارد. رابطه موجود از نوع بیان مضامین و مفاهیم مشترک است، لذا عباراتی مشابه عبارات کتاب مقدس در دعای سمات وجود دارد. بیشترین تکرار بینامتنی از نوع اجترار (نفی جزئی) است که عیناً متن غایب (عهدین) در متن حاضر (دعای سمات) نمود می‌یابد. همچنین نمونه‌هایی از نوع امتصاص (نفی متوازی) نیز در آن وجود دارد.

با توجه به پژوهشهای صورت گرفته، این نکته برای خوانندگان محرز می‌گردد که در خصوص موضوع «تناس قرآنی در رابطه با افعال الهی در دعای سمات» تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است.

تناس قرآنی در رابطه با افعال الهی در دعای سمات

بر اساس جهان بینی توحیدی، همه موجودات و پدیده‌های هستی، بی واسطه یا با واسطه افعال خداوند هستند. دعای سمات دارای معانی و مضامین دقیق در مورد افعال الهی است که بسیار قابل توجه هستند. افعال الهی که بر آنها در دعای سمات تاکید شده است، عبارتند از:

افعال الهی «المتکلم و الخالق»

امام محمد باقر (ع) در قسمتی از دعای خویش، به صفت تکلم خداوند، و خلقت آسمان و زمین به امر و فرمان الهی اشاره نموده است که در واقع برگرفته از این مضمون قرآنی است: (... وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (توبه/۴۰) «... و کلمه خداست که برتر است، و خدا شکست ناپذیر حکیم است.»

در دعای سمات آمده است: (وَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) «و به کلمات که با آن آسمان‌ها و زمین را آفریدی»

متکلم

خداوند متکلم است و کلام یکی از صفات ثبوتیه اوست. کلام در لغت به معنای سخن و قول و لفظ و صوت است که با حس شنوایی و بینایی درک می شود. پس کلام و سخن بر الفاظ منظم و آراسته اطلاق می شود و همچنین بر معانی که تحت آن الفاظ فراهم می آید و قرار می گیرد. (راغب اصفهانی؛ سال: ذیل واژه «کلم»)

در اصطلاح، یکی از صفات ثبوتیه خداوند، صفت تکلم است. (طوسی؛ ۱۳۸۳: ۱۹۳)

مسلمانان و بلکه همه پیروان ادیان آسمانی اجماع دارند بر اینکه خداوند متعال متکلم است، لکن در مورد ماهیت کلام خداوند بین متکلمان اسلامی نظرات مختلفی وجود دارد. فرقه معتزله می گویند: «کلام در همه جا عبارتست از همین حروف و اصوات که به طرز خاصی با یک یگر تألیف شده و معنای مخصوصی را دلالت دارند و این همان کلام لفظی است که دارای انواع و اقسام است از قبیل اینکه: یا مفرد است یا مرکب، یا جمله اسمیه است و یا فعلیه، و یا جمله انشائیه است و یا خبریه، یا امر است یا نهی، و یا تمنی و یا ترجی و غیره. منتهی ما انسانها جسم هستیم و دارای حنجره و صوت و زبان و مخارج حروف و لذا با همین ابزار سخن می گوئیم. اما خداوند متکلم است؛ یعنی یک سلسله حروف و اصوات را در جسمی و جمادی ایجاد می کند که کاملاً مفید مراد و مقصود هستند، همانگونه که خداوند در شجره طور ایجاد کلام نمود و حضرت موسی (ع) شنید.» در دعای سمات آمده است: (وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ) «و به بلندای جاهت که بر طور سینا نمایان شد، پس با آن، سخن گفتی با بنده و رسولت موسی بن عمران»

فرقه اشاعره می گویند: «کلام خداوند یک کلام نفسی و معنوی است و آن حقیقت نه امر است و نه نهی و ... و مانند سایر کمالات قدیم و زائد بر ذات است. مراد از کلام نفسی همان امر ثابت در ضمیر متکلم است که ثابت است و با اختلاف عبارات مختلف نمی شود؛ یعنی هر گوینده ای که در مقام سخن گفتن برمی آید، مراد و مقصودی دارد و ما فی الضمیری دارد که می خواهد با این الفاظ از آن تعبیر

کند. این امر باطنی، کلام نفسی نام دارد و این الفاظ، کلام لفظی خوانده می شود که کاشف از آن باطن هستند.» (شهرستانی؛ ۱۴۲۵: ۱۸۱)

خالق

«خَلَقَ» یعنی ایجاد و ابداع و اخراج اشیاء از عدم به وجود، همچنین «خَلَقَ» به معنای تقدیر است. (فخرالدین رازی؛ لوامع البينات: ۲۰۱) مانند آیه (...أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ) (اعراف/۵۴) «...آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست.» که در این آیه «خلق» به معنای «تقدیر» می باشد.

«الْخَلْقُ» اصلش اندازه گیری و تدبیر و نظم مستقیم و استوار در امور است. واژه «خَلَقَ» در معنی نوآفرینی و ایجاد چیزی بدون اینکه آن چیز سابقه وجودی داشته باشد و ایجادش بدون نمونه داشتن باشد بکار می رود. (ابن اثیر الجزری؛ ۱۳۶۷: ۷۰/۲) خداوند متعال می فرماید: (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) (انعام/۷۳) یعنی ابداع و ایجادشان نمود که این معنا بنا به دلالت و راهنمایی آیه (بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (بقره/۱۱۷) است. همچنین واژه «خَلَقَ» در معنای پیدایش و ایجاد چیزی به کار می رود، (راغب اصفهانی؛ المفردات: ذیل واژه «خلق») مانند آیه (... خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...) (نساء/۱) «... شما را از [نفس واحدی] آفرید...»

در خصوص معنای اصطلاحی «خَلَقَ» باید گفت که خداوند متعال بدون ماده و مثال سابق خالق همه اشیا است. «آن مبدع خلق و مخترع آنست بدون مثال سابق.» (کفعمی؛ ۱۳۷۱: ۳۴) «خالق» به معنای موجد عالم خلق و کائنات است همان طور که او به اعتبار ایجاد عقول مبدع و به اعتبار ایجاد آسمانها مخترع است. (سبزواری؛ ۱۳۹۴: ۵۹۳)

همچنین امام محمد باقر (ع) در جای دیگر به خلقت شب و روز و نیز اینکه شب برای آرامش و نیز روز برای کار و تلاش قرار گرفته است، اشاره می کند که در قرآن کریم به صراحت اعلام شده است: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ) (یونس/۶۷) «اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید]. بی گمان، در این [امر] برای مردمی که می شنوند نشانه هایی است.»

در دعای سمات آمده است: (و خَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَ جَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَ جَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ جَعَلْتَهُ نَهَارًا، وَ جَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا) «و تاریکی را با آن پدیدآوردی و آن را شب قرار دادی و شب را برای آرامش مقرر داشتی و هم با آن (حکمت)، نور را آفریدی و آن را روز قرار دادی و روز را مایه جنبش و بینایی سنجش ساختی»

در ادامه امام محمد باقر (ع) به آفرینش خورشید و قرار دادن آن به عنوان روشنایی و نیز آفرینش ماه و قرار گرفتن آن به عنوان وسیله ای برای روشنایی از جانب خداوند متعال سخن گفته که برگرفته از مفاهیم رزشمند قرآنی است: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا وَ قَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ

السُّنَيْنَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (یونس/۵) «اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشد و ماه را تابان کرد، و برای آن منزلهایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید. خدا اینها را جز به حق نیافریده است. نشانه‌ها [ی خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان می کند.»

در دعای سمات آمده است: (و خَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَ خَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا) «و نیز با آن خورشید را آفریدی و خورشید را مایه تابش نمودی و با آن ماه را پدید آوردی و ماه را نورانی ساختی»

ایشان در ادامه به خلقت ستارگان و نیز قرار دادن آنها بعنوان نجوم، روشنایی، بروج، زینت و نیز برای دفع شیاطین اشاره کرده که در قرآن کریم آمده است:

(رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَ رَبُّ الْمَشَارِقِ * إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ * وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ) (صافات/۵-۷) «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، و پروردگار خاورها* ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم* و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم.»

در دعای سمات آمده است: (و خَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَ جَعَلْتَهَا نُجُومًا وَ بُرُوجًا وَ مَصَابِيحَ وَ زِينَةً وَ رُجُومًا) «و با آن ستارگان را خلق کردی و آن‌ها را اخترانی تابناک و برج‌ها و چراغ‌ها و زینت و عامل راندن شیاطین قرار دادی»

فعل الهی «المقدر»

«مقدر» اسم فاعل از باب تفعیل (قَدَرَ، يَقْدِرُ) به معنای تقدیر و تعیین کننده است. کلمه «قدر» به چند وجه استعمال می شود: قدر بر وزن فلس و قدرت و مقدره بمعنی توانائی است و قادر از این کلمه است.

«قدر» بمعنی تنگ گرفتن و ضیق است: «قدر الله علیه الرزق»، قدر بمعنی تقدیر و اندازه گیری و نیز به معنی اندازه است. (قرشی؛ ۱۴۱۲: ۲۴۶/۵)

تقدیر خداوند دو وجه دارد: اول: بخشیدن قدرت و توانایی دادن به اشیا؛ دوم: به اینکه آن شی را به وجهی مخصوص در اندازه ای معین آنطور که حکمت اقتضا کرده است قرار دهد. (راغب اصفهانی؛ ۱۹۹۲: ذیل واژه «قدر»)

«المقدر» در اصطلاح، اسم باری تعالی است به اعتبار تنزیل امور از عالم اراده به سوی عالم قدر، امر به امر و تقدیر از باب تفعیل بر تدریجی بودن امر دلالت می کند. (همدانی درود آبادی؛ ۱۴۲۶:

(۱۴۸)

در دعای سمات آمده است: (وَ قَدَرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا) «و برای آن‌ها در آسمان منزلگاه‌هایی مقدر فرمودی، پس چه نیکو تقدیر نمودی»

خداوند متعال نیز در قرآن کریم فرموده است: (... قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا) (طلاق/۳) «... به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است.»
در واقع، پروردگاری که برای اشیا عالم اندازه گرفت، مقادیر و مراحل معین کرد و آنها را بآنچه تقدیر کرده، هدایت نمود.

فعل الهی «المُحْصِي»

واژه «مُحْصِي» اسم فاعل از باب افعال به معنای حساب کردن و بدست آوردن چیزی با مقدار و عدد می باشد. و در اصطلاح به این معناست که خداوند متعال محصی «شمارنده و ضبط کننده» است و عالم به همه معلومات است. این اصطلاح به علم خداوند متعال برمی گردد؛ چراکه او همه اجزا موجودات و عدد حرکات و سکنت را می داند و او به واسطه علمش محیط به همه اشیا و محصی است. (فخر رازی؛ ۱۹۷۶: ۳۰۰)

در دعای سمات آمده است: (و أَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِخْصَاءً) «و با نام‌های آن‌ها را بر شمردی، شمردنی در خور»

در قرآن کریم نیز آمده است:

- (... وَ أَحْصِي كُلَّ شَيْءٍ عَدْدًا) (جن/۲۸) «... و هر چیزی را به عدد شماره کرده است.»
- (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا) (نبا/۲۹) «و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [به صورت] کتابی در آورده ایم.»

خداوند متعال، همه اشیا را شمرده و ضبط نموده، شمار و عدد قطره های باران و ریگهای بیابان و برگهای درختان و امثال آنها بر او پوشیده و پنهان نیست.

فعل الهی «المصوّر»

واژه «صورة» در لغت، چیزی است که اجسام و اعیان با آن نقش بندی و شکل بندی می شود و با آن شکل از هم متمایز می گردند که دو گونه است: الف) صورت محسوس: صورتی است که خاص و عام، آن را درک می کنند. ب) صورت معقول: صورتی است که آن را خواص از مردم غیر از عموم مردم، درک می کنند مثل صورتی که ویژه انسان است از عقل و اندیشه و معانی و به وسیله آنها چیزی به چیز دیگر مخصوص و ممتاز شده است. (راغب اصفهانی؛ ۱۹۹۲: ۴۳۱/۲ ذیل ماده «صور»)

خداوند متعال در قرآن کریم به این دو صورت محسوس و معقول اشاره کرده است: (فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ) (انفطار/۸) «و به هر صورتی که خواست، تو را ترکیب کرد.»

واژه «مصور» در اصطلاح به این معناست که خداوند متعال صورتگر است. تصویر یک چیز یعنی تنزیلش از عالم اجمال به سوی عالم تفصیل و فراهم کردن استعداد برای تأثیر و تأثر. (همدانی درودآبادی؛ ۱۴۲۶: ۱۲۵)

کلمه «خالق» یعنی آفریننده و پدید آورنده، و کلمه «بارئ» یعنی امتیاز دهنده، «بارئ» پدید آورنده اشیا را طوری که از یک یگر ممتازند، گویند، و کلمه «مصور» به معنای صورتگر است. بنابراین هر سه کلمه متضمن معنای ایجاد هستند؛ اما به اعتبارات مختلف که بین آنها ترتیب هست، خالق در رابطه با آفرینش به اندازه، و بارئ در رابطه با آفرینش به طور جدا از دیگری، مصور در رابطه با شکل دادن است.

در دعای سمات آمده است: (وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا) «و صورتگری کردی و چه نیکو صورتشان دادی»

خداوند نیز در قرآن کریم می فرماید:

(هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (حشر/ ۲۴) «اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آن اوست. آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است.»

فعل الهی «المسخر»

واژه «تسخیر» در لغت به معنای حرکت دادن و راندن قهری به سوی هدفی معین، و همچنین نرم کردن و فرمانبردار نمودن می باشد. (ابن منظور؛ ۱۴۱۴: ۳۵۳/۴)

اصل در این واژه، حکم کردن و تقدیر قهری تکویناً یا تشریحاً می باشد؛ گفته می شود: خدا خورشید و ماه و آسمان و زمین را مسخر خودش قرار داده؛ یعنی زیر امر خودش قرار داده و به تقدیرش آنها را مقهور ساخته تکویناً و از لوازم این معنا اطاعت و ذلیل و رام بودن تحت امر و اراده و طبق اراده خودش تکلیف دادن و استعمال مجانی و بدون اجرت می باشد. تسخیر، فرمان و اندازه و تقدیر قهری تکویناً یا تشریحاً بوده و از آثار این معنا، طاعت و محکومیت صرفه تحت اراده و فرمانش می باشد. و در اصطلاح به این معناست که خداوند متعال مسخر (صاحب تسخیر و تدبیر و تقدیر) است و تمام عوالم امکان مطابق فرمان و تدبیرش مسخر شده و مطیع و منقاد اوست؛ چونکه او صاحب خلق و امر است و هیچ چیزی نمی تواند از فرمان و تدبیرش سرپیچی کند و امر و تدبیر و تسخیرش مطاع و منقاد است. (مصطفوی؛ ۱۳۶۸: ۷۶/۵)

در دعای سمات آمده است: (وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْجِسَابِ) «و با تسلط بخشیدن شب و روز و ساعات بر آن ها شمارش سال ها و ثبت حساب را شناساندی» خداوند متعال نیز در قرآن کریم می فرماید:

- (و لئن سألتهم من خلق السماوات و الأرض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله فأنى يؤفكون) (عنکبوت/۶۱) «و اگر از ایشان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را [چنین] رام کرده است؟» حتماً خواهند گفت: «الله» پس چگونه [از حق] بازگردانیده می شوند؟»
- (ألم تر أن الله يُولج الليل في النهار و يُولج النهار في الليل و سخر الشمس و القمر كل يجرى إلي أجل مسمي و أن الله بما تعملون خبير) (لقمان/۲۹) «آیا ندیده ای که خدا شب را در روز درمی آورد، و روز را [نیز] در شب درمی آورد، و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یک تا وقت معلومی روانند و [نیز] خدا به آنچه می کنید آگاه است؟»

افعال الهی «فَعَال و مرید»

«فَعَال» صیغه مبالغه در فاعل است. «الفعال» یعنی نافذ و مؤثر، و آنکه بسیار کار کند. (بستانی؛ ۱۳۷۶: ۶۶۷) واژه «فَعَال» در اصطلاح صیغه مبالغه و از اسماء حسنی است. کلمه فاعل در لغت به معنای کننده کار است. آنچه از کلمه فاعل مفهوم و اراده می شود، کننده کار و انجام دهنده فعلی است که فعل او مقرون به اختیار و اراده اش باشد. «فَعَال» کسی است که طلب کردن چیزی او را عاجز و خسته نمی کند و چیزی را که او اراده کند، برایش ممتنع نیست، بعضی گویند: فَعَال کسی است که چیزی را که بخواهد، ایجاد کند و اعاده نماید. (طبرسی؛ ۱۳۷۲: ۴۲۷/۲۶) و در اصطلاح فلسفی اکثر کلمه فاعل مرادف علت آمده است و گویند: فاعل آن است که مقتضی وجود معلول است و او را واجب الحصول قرار می دهد. فاعل بسیط که احدی الذات باشد در مقابل فاعل مرکب، مانند ذات حق تعالی. خداوند متعال فَعَال و فاعل بسیط است نه مرکب. (ملاصدرا؛ ۱۹۸۱: ۱۷۸/۲)

واژه «مرید» از کلمه «اراده» مشتق شده است. اراده به مفهومی اطلاق می شود که در انسان وجود دارد، ولی در خداوند بزرگ راه ندارد؛ زیرا انسان قبلاً چیزی را تصور می کند و بعد فوائد آن را در نظر می گیرد و پس از تصدیق به فایده، شوق و اشتیاقی به انجام این کار در او پدید می آید و هنگامی که شوق به مرحله نهائی رسید، فرمان به عضلات صادر می شود و انسان به سوی انجام کار حرکت می کند، ولی هیچیک از این مفاهیم (تصور، تصدیق، شوق، فرمان، نفس، و حرکت عضلات) در مورد خداوند متعال معنی ندارد؛ زیرا اینها همه اموری حادثند. (سبزواری؛ ۱۳۹۴: ۱۴۱)

اراده خداوند بر دو گونه است: اراده ذاتی و فعلی.

اراده ذاتی خداوند: همان علم به نظام اصلح در جهان آفرینش، و خیر و صلاح بندگان در احکام و قوانین شرع است. او می داند بهترین نظام برای عالم هستی چیست و هر موجودی در چه مقطعی باید حادث گردد. این علم سرچشمه تحقق موجودات و حدوث پدیده ها در زمانهای مختلف است. همچنین او می دان مصلحت بندگان از نظر قوانین و احکام در چیست؟ و روح قوانین و احکام، همین علم او به مصالح و مفاسد است. (سبحانی تبریزی؛ ۱۴۲۶: ۱۶۵)

اراده فعلی خداوند: او عین ایجاد است و جزء صفات فعل شمرده می شود. بنابراین اراده او بر خلقت زمین و آسمان عین ایجاد آنها است و اراده او بر وجوب نماز و تحریم دروغ عین واجب و حرام نمودن آنهاست. اراده ذاتی خداوند، عین «علم» و عین ذات اوست و اراده فعلی خداوند، عین «ایجاد» است. (سبزواری؛ ۱۳۹۴: ۱۴۲)

در دعای سمات آمده است: (إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ) «تو ستوده‌ی والایی، هرچه را بخواهی انجام می‌دهی»

خداوند متعال نیز در قرآن کریم می فرماید: (خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ) (هود/۱۰۷) «تا آسمانها و زمین برجاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد.»

نتیجه‌گیری

مطالعه دقیق فرازهای دعای سمات، نشانگر اهمیت و عظمت این دعای شریف هست که قابل انکار نیست. دقت در آموزه های اعتقادی دعای سمات، انسان را به کمال معرفت و اوج عبودیت می رساند. از فرازهای دعای سمات پیداست که خالق جهان و مدبّر و مقدر و صانع و جاعل جهان هستی، خداوند است و کل جهان با واسطه یا بدون واسطه فعل خدا هست. امام محمد باقر (ع) با بهره گیری کامل از الفاظ و معانی قرآنی، کلام خویش را زیبایی دوچندان بخشیده است. آن امام بزرگوار با زیبایی تمام، در رابطه با افعال الهی، این الفاظ را در دعای سمات نمایان ساخته و با تغییراتی که در الفاظ و مفاهیم قرآنی ایجاد نموده است، خواننده را به تفکر در مورد این دعا و ارتباط آن با قرآن کریم وا می دارد. امام باقر (ع) در این دعا، از مضامین والای قرآنی در رابطه با افعال الهی، به بهترین وجه بهره برده و به این اثر ارزشمند، رنگ و بوی دینی و قرآنی بخشیده است.

منابع

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

ابن اثیر الجزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷: **النهاية في غريب الحديث والأثر**، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴: **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر.
افتخاری، عطاءالله، ۱۳۸۹: دعا و شب قدر از نظر امام موسی صدر در مقایسه با تفسیرهای قرآن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، **فصلنامه مطالعات قرآنی**، پائیز، دوره ۱، شماره ۳.
بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۶: **فرهنگ ابجدی**، ترجمه رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۹۹۲: **المفردات**، بیروت، دارالشامیه.
- سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۶: **الإلهیات**، قم، مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة.
- سبزواری، ملا هادی، ۱۳۹۴: **شرح الأسماء الحسنی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۴۲۵: **نهاية الاقدام في علم الكلام**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲: **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۴۰۸: **مجمع البحرین**، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۸۳: **تجريد الاعتقاد**، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات اسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱: **مصباح المتهدج**، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة.
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۹۷۶: **لوامع البینات فی شرح أسماء الله تعالی و الصفات**، قاهرة، مكتبة الكليات الأزهریة.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۲۵: **المصباح المنیر**، قم، نشر هجرت.
- قرشی، علی اکبر، ۱۴۱۲: **قاموس القرآن**، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۳۷۱: **المقام الأسنی فی تفسیر الأسماء الحسنی**، قم، مؤسسة قائم آل محمد (علیهم السلام).
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴: **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸: **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم، ۱۹۸۱: **الأسفار الأربعة**، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- همدانی درودآبادی، سید حسین، ۱۴۲۶: **شرح الأسماء الحسنی**، قم، نشر بیدار.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: حسینی نعیمی سیداحمد، خواجه پور بنادکی کمال، شمع ریزی سیدحمید، تناس قرآنی در رابطه با افعال الهی در دعای سیمات، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۳۳-